

بازتعریفی از ژئوپلیتیک شیعه با نگاهی به انقلاب بحرین

دکتر مسعود اخوان کاظمی / استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه

صفی‌الله شاه‌قلعه / کارشناسی ارشد علوم سیاسی

چکیده

جنبش‌های اسلامی معاصر، در روند تحولات منطقه خاورمیانه جایگاه ویژه‌ای دارند. در این میان، انقلاب شیعیان بحرین، به‌ویژه محورهای اساسی آن به‌مثابه نیروهای اجتماعی، تشکله‌ها و اشخاص و گروه‌های مستقل معارض، در تقابل با نظام سلطنتی حاکم بر این کشور، در تحول ژئوپلیتیک شیعه نقش درخور توجهی یافته است. هدف این پژوهش، تبیین و تحلیل ژئوپلیتیک شیعه و جایگاه آن در تحولات جهانی و منطقه‌ای، به‌ویژه در جنبش‌ها و انقلاب‌های اخیر در سرزمین‌های اسلامی، با تأکید بر انقلاب بحرین است. شیعیان بحرین، با اینکه اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و عمدتاً از طبقه کارگر و کم‌درآمدند، در مقابل اقلیت سنی که جمعیت شهری ثروتمند را تشکیل می‌دهند و قدرت حکومتی را در دست دارند، از لحاظ اجتماعی و سیاسی به حاشیه رانده شده‌اند. تلاش برای دستیابی به حقوق سیاسی و اجتماعی مناسب و تغییر نظام استبدادی سلطنتی حاکم بر بحرین، باعث شکل‌گیری انقلابی مردمی، به‌ویژه در میان شیعیان این کشور در برابر خاندان حاکم آل‌خلیفه شده است. این انقلاب به‌رغم برخورداری از ویژگی‌هایی همچون مردمی بودن و دموکراسی‌خواهی، با سکوت و حتی واکنش منفی کشورهای غربی و عکس‌العمل شدید نظامی حکومت عربستان مواجه شده است. این نوشتار درصدد است تا دلایل برخورد دوگانه غرب را در این تحولات، با استناد به بازتعریفی از تحول ژئوپلیتیک شیعه بررسی و تحلیل کرده، به‌ویژه جایگاه انقلاب بحرین را در این فرایند ارزیابی و تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک شیعه، حکومت آل‌خلیفه، بحرین.

بیان مسئله

سرشت پویا و متحول نظام قدرت جهانی و توزیع فضایی و منطقه‌ای آن در جهان، که عمدتاً تحت تأثیر تحول در علم و فناوری و میزان ثروت اقتصادی و قدرت نظامی کشورها و سطح آگاهی ملت‌ها از سویی، و تحول در نقش و کارکرد عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی از سوی دیگر قرار دارد، باعث می‌شود که نظام جهانی و نظام‌های منطقه‌ای و روابط کشورها با یکدیگر پیوسته در حال تحول و دگرگونی باشند. این واقعیت، ضرورت مطالعه، علمی و دقیق ماهیت پدیده‌های سیاسی در سطح جهانی، منطقه‌ای و محلی، کیفیت شکل‌گیری آنها و نیز تأثیرات و پیامدهای این پدیده‌ها بر روابط بین‌المللی و حیات ملت‌ها را ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌سازد و عرصه مطالعاتی و پژوهشی گسترده‌ای را فراروی ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و جغرافیای سیاسی کشورها قرار می‌دهد.

رفتار بین‌المللی و عملکرد خارجی دولت‌ها، برگرفته از منافع ملی آنها در محیط ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی است. همچنین واکنش‌های آنها به تحولات کشورهای دیگر نیز بر مبنای ملاحظات مرتبط با جایگاه و موقعیت ژئوپلیتیکی این کشورها تعریف و تنظیم می‌شود. در این میان، واقع شدن بحرین با اکثریت جمعیت شیعه در یکی از حساس‌ترین و استراتژیک‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی جهان، یعنی خلیج فارس، و همسایگی آن با ایران و عربستان سعودی و نیز استقرار ناوگان پنجم آمریکا در خاک آن، این کشور را در موقعیت منحصربه‌فردی قرار داده است. افزون بر این، وقوع انقلابی مردمی ماه‌های اخیر در این کشور، بر اهمیت ژئوپلیتیک آن به گونه‌ای محسوس افزوده است.

هدف از این پژوهش، تشریح و تبیین ژئوپلیتیک شیعه با تأکید بر شرایط و روندهای بین‌المللی و منطقه‌ای و بویژه جنبش‌ها و انقلاب‌های کشورهای عربی، خصوصاً بحرین می‌باشد. بنابراین، پرسش محوری پژوهش، به طور مشخص این‌گونه مطرح می‌شود: انقلاب بحرین چه پیامدهایی بر تحول ژئوپلیتیک شیعه برجای می‌گذارد؟ همچنین رویکرد و واکنش قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به این انقلاب نیز بررسی و ریشه‌یابی خواهد شد.

چهارچوب نظری

همهٔ پرسش‌های کاربردی نیازمند چهارچوب یا مدلی مفهومی‌اند که بتوان بر اساس آن به بررسی ابعاد موضوع و ارتباط بین متغیرهای تحقیق پرداخت (ادواردز و همکاران، ۱۳۷۹، ص ۳۲) در این پژوهش با استفاده از مدل ژئوپلیتیک به تبیین و تحلیل موضوع مورد مطالعه پرداخته خواهد شد.

امروزه مفهوم و مسائل ژئوپلیتیک به یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات مورد توجه اندیشمندان و رهبران سیاسی جهان تبدیل شده است. ژئوپلیتیک، از اوایل قرن بیستم با طرح اندیشهٔ مکیندر (Makinder) مطرح، و در سال‌های بعد با استقبال اندیشمندان سیاسی روبه‌رو شد. از زمان ورود واژه ژئوپلیتیک به عرصهٔ علوم جغرافیایی، روابط بین‌الملل و علوم سیاسی، دنیا تحولاتی عظیم را تجربه کرده است. مباحث برخاسته از این مفهوم جدید در عرصهٔ سیاست، توانسته است تحول قدرت را به صورتی کاملاً تأثیرگذار و علمی تبیین کند؛ به گونه‌ای که مطالعهٔ روابط بین‌المللی و موضوعات مرتبط با امنیت را در مقیاس‌های جهانی، منطقه‌ای و محلی، هدفمند و روشمند می‌سازد و جایگاه و رفتار کشورها را با الگوهای برخاسته از موقعیت و دیگر ویژگی‌های ژئوپلیتیک بررسی می‌کند. (رفیع، ۱۳۸۷، ص ۹۶)

از منظر ژئوپلیتیک، شناخت ابعاد جغرافیایی، در فرایند تحقیق بر نظامی منطقی، و در روند تحلیل بر بهره‌گیری از مفاهیمی استوار است که در طول زمان در ارتباط با مبحث قدرت، اثرات خود را در صحنهٔ سیاسی یک محیط جغرافیایی برجای نهاده‌اند. در مطالعات جغرافیای سیاسی، نقش‌آفرینی درون کشور روی پدیدهٔ قدرت پیگیری می‌شود. در واقع، جغرافیای سیاسی به مطالعهٔ اثر تصمیم‌گیری سیاسی بر محیط جغرافیایی می‌پردازد؛ مانند تقسیم زمین و مرزها؛ اما ژئوپلیتیک، نقش محیط جغرافیایی را در تصمیم‌گیری سیاسی بررسی می‌کند. (مجتهدزاده، ۱۳۷۹، ص ۳۵)

نظریه‌پردازان ژئوپلیتیک با دیدگاه‌های مختلف، تعاریف گوناگونی را از ژئوپلیتیک ارائه کرده‌اند. برخی از این تعاریف، همچنان قالب کلاسیک خود را حفظ کرده‌اند و

برخی دیگر، کاملاً نو به نظر می‌رسند. به نظر ریمون آرون، ژئوپلیتیک عبارت است از ترسیم جغرافیایی روابط دیپلماتیک - استراتژیک به وسیله تحلیل جغرافیایی - اقتصادی منابع طبیعی، و تفسیر گرایش‌های دیپلماتیک به‌عنوان معلول شیوه زندگی و محیط زیست. (Aron, 1996, p.191)

هاوس هوفر (Haves Hofer) نیز معتقد است: ژئوپلیتیک، علمی است که جهات پیوستگی زمین را برای پیشرفت و توسعه سیاسی بررسی می‌کند. (Diskshit, 1995, p.13) سوئل کوهن معتقد است: ژئوپلیتیک، مطالعه کاربردی روابط جغرافیایی میان فضا و سیاست است. ژئوپلیتیک، تأثیر دوجانبه الگوهای فضایی، اشکال و ساختارها را با عقاید سیاسی و سازمان‌ها مطالعه می‌کند. کنش متقابل فضایی و فرایندهای سیاسی در تمامی سطوح (محلی، ملی، قاره‌ای و جهانی)، نظام ژئوپلیتیک بین‌الملل را قالب‌ریزی و ایجاد کرده است. (Cohen, 1978, p.17) کلاداد (Clasedad) ژئوپلیتیک را رویکرد می‌داند و در تعریف آن می‌نویسد: ژئوپلیتیک «رویکرد» ویژه‌ای به سیاست‌های جهانی است که بر اهمیت سرزمین و منابع تأکید دارد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۲۳) هنری کیسینجر (Henry Kissinger)، وزیر امور خارجه پیشین آمریکا، باعث شد که اصطلاح ژئوپلیتیک در دهه ۱۹۷۰ احیا شود. او این واژه را مترادف با بازی ابرقدرت‌ها در زمینه سیاست‌های موازنه قدرت که در سراسر نقشه سیاسی جهان انجام می‌شود، به کار گرفت. (کیسینجر، ۱۳۸۳، ص ۵۷)

۱. ژئوپلیتیک شیعه

نظریه پردازان کلاسیک ژئوپلیتیک، تأکید بسیاری بر فاصله، فضا و مرزها داشتند؛ یعنی ارزش‌هایی که در مفاهیم نظامی آن دوره دارای اهمیت بودند؛ اما در سده حاضر، دیگر قدرت نظامی تنها شاخص قدرت رهبری برای کشورها در صحنه بین‌المللی نیست؛ زیرا در حال ورود به عصری هستیم که نزاع مستقیم، فرصت بروز نمی‌یابد و عوامل و متغیرهای جدید، روش ما را در ارزیابی موقعیت‌های ژئوپلیتیکی

تعیین می‌کنند. (صفحه، ۱۳۸۰، ص ۴۶) در حال حاضر، توجه به عوامل فرهنگی و اعتقادی در امر ژئوپلیتیک، حیطه‌های دیگری از هم‌نشینی جغرافیا با سیاست و حوزه‌های اجتماعی را مطرح ساخته است.

نقش حساس اسلام در صحنه سیاست بین‌المللی در دهه‌های اخیر باعث شده است که ژئوپلیتیک کشورهایی که تمام یا اکثریت جمعیت آنها مسلمان است، بازنگری و ارزیابی شود. این امر، به‌ویژه در هنگامی اهمیت خاص می‌یافت که پیوستگی جغرافیایی و جایگاه ویژه این بخش از جهان به لحاظ دسترسی به عظیم‌ترین منابع نفتی خودنمایی می‌کرد و پدیده‌ای به نام جهان اسلام را مطرح می‌ساخت. (صفحه، ۱۳۸۰، ص ۷۱-۷۲) در این چهارچوب، موقعیت حساس ژئوپلیتیک جهان اسلام و جمعیت بیش از یک و نیم میلیارد نفری مسلمانان در جهان، صاحب‌نظران و سیاستمداران غرب را وادار ساخته تا در حوزه ژئوپلیتیک، به اسلام و به طور ویژه به عنصر تشیع توجه خاصی مبذول کنند.

از منظر جغرافیای سیاسی، پیدایش نهضت‌های اسلامی به‌منزله یکی از عوامل متغیر ژئوپلیتیک، موجب افزایش حساسیت‌ها درباره دیگر عوامل ثابت آن شده است. از این منظر، با توجه به مرام و ایدئولوژی خاص جنبش‌های اسلامی و دسترسی آنها به منابع نفتی و قدرت سیاسی در مناطق حساس جغرافیایی، تأثیرگذاری ژئوپلیتیکی آنها دوچندان شده است. به همین دلیل، غرب می‌کوشد مانع گسترش و تعمیق چنین رویدادهایی شود که از نظر آنها تهدید جدی برای منافع دنیای غرب به‌شمار می‌رود. (پاشاپور، ۱۳۸۲، ص ۲۲۶-۲۲۷) از این‌روست که ژئوپلیتیک شیعه و سرزمین‌های شیعه‌نشین، از حساسیت خاصی برای قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برخوردار شده است.

پتانسیل درونی اسلام شیعی، وجود عواملی حرکت‌زا و قیام‌آفرین در درون این مذهب، امکان ارائه تفسیری انقلابی از آن را ممکن ساخت. از سوی دیگر، وجود عناصری اعتقادی و مورد توجه ستم‌دیدگان، زمینه‌های هژمونیک شدن آن را آسان

کرد. از میان این موارد می‌توان به مفاهیمی مانند عدالت اجتماعی، امامت انسان صالح، و وعدهٔ وراثت نهایی زمین و حاکمیت بر آن توسط مستضعفین و انسان‌های صالح اشاره کرد. (اخوان مفرد، ۱۳۸۱، ص ۱۳۳) بر این اساس، در بحران افغانستان، ناآرامی‌های جنوب پاکستان، بی‌ثباتی در عربستان سعودی، اسلام‌گرایی در ترکیه و تحولات عراق، واژهٔ شیعه به طور مکرر در روزنامه‌ها ظاهر می‌شود. (توال، ۱۳۷۹، ص ۱) در حال حاضر نیز فضای مناسبی برای شیعیان در شرق عربستان و جمعیت حداکثری شیعه در بحرین باز شده است که پیش از این، امکان فعالیت و ابراز وجود برای آنها نبود.

به نظر می‌رسد، شیعه به دلیل برخورداری از قدرت تأثیرگذاری بر تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، برای غرب اهمیت ژئوپلیتیک خاصی دارد. (توال، ۱۳۷۹، ص ۶) از این‌رو، دولتمردان غربی برای مهار تأثیرات ژئوپلیتیک شیعه، طرح خاورمیانهٔ جدید را مطرح کردند. آنان در این طرح به دنبال تغییر ساخت‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی و دینی منطقه‌اند. (مایل افشار، ۱۳۸۳، ص ۵۴) از نظر غربی‌ها، سکونت بیشتر شیعیان در مناطق حساس ژئوپلیتیکی، و ایدئولوژی انقلابی آنان، منافع غرب را در منطقه به خطر می‌اندازد. (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۷۸) بر این اساس است که غربی‌ها انقلاب بحرین را انقلابی شیعی می‌دانند و از ایدئولوژی شیعه، که به نظر آنها یک ایدئولوژی انقلابی است، هراس دارند.

از میان بیش از ۱/۵ میلیارد مسلمان، حدود ۱۵۰ میلیون نفر (تقریباً ده درصد) را شیعیان تشکیل می‌دهند. شیعیان در کشورهای ایران، آذربایجان، عراق، بحرین و لبنان در اکثریت قرار دارند. در کشور پاکستان نزدیک به ۳۵ میلیون نفر، و در هندوستان نزدیک به ۲۵ میلیون شیعه زندگی می‌کنند که بزرگ‌ترین جمعیت شیعه در منطقه بعد از ایران‌اند. (Nasr, 2006, p.59) در جدول شمارهٔ ۱، درصد جمعیت شیعیان در برخی از کشورهای اسلامی را می‌بینید.

جدول شماره ۱: درصد جمعیت شیعیان در چند کشور اسلامی

ردیف	کشور	درصد شیعیان
۱	ایران	۸۹
۲	عراق	۶۵-۶۰
۳	لبنان	۳۸
۴	سوریه	۱۶
۵	امارات متحده عربی	۱۸
۶	عربستان سعودی	۱۱-۱۰
۷	افغانستان	۱۵
۸	بحرین	۷۰
۹	آذربایجان	۶۷
۱۰	پاکستان	۲۰

Source: Escobar, 2007, p.190-193

البته گاهی اوقات در آماري که از کشورها درباره میزان جمعیت شیعیان ارائه می‌دهند، جای تردید و تأمل وجود دارد؛ چون نه از تعداد حقیقی مسلمانان آمار دقیقی در دست است و نه از تعداد حقیقی شیعیان؛ چراکه آمارها در بسیاری از موارد در دست دولت‌ها هستند و حکومتگران بنا به مصالح سیاسی خود، ارقام را متفاوت ذکر می‌کنند.

جمعیت شیعه در کشورهای مختلف، به‌ویژه در کشورهای عربی، طی قرن‌ها تحت ستم قرار داشته و از حقوق اولیه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محروم بوده‌اند. برای نمونه، شیعیان در عربستان سعودی از اجرای آزاد مراسم خاص مذهبی خود، مانند عزاداری روز عاشورا محروم‌اند. همچنین شیعیان در کشور کوچک بحرین، با اینکه هفتاد درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، تحت سلطه حکومتی سنی قرار دارند (Fuller & Franck, 1999, p.54). قطع نظر از تاریخ پرفرازونشیب جنبش اسلامی شیعیان، باید گفت که جایگاه و موقعیت معاصر آنان، در پیوند با شیعیان ایران تعریف شده است. از این‌روست که وجود مبانی نظری

مشترک مذهب شیعه و اشتراکات تاریخی - فرهنگی، از جمله شاخص‌هایی است که هم‌بستگی ایدئولوژیکی و تاریخی - فرهنگی بین نظام ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران و معارضان اسلامی بحرین، به‌ویژه شیعیان را موجب شده است.

مارتین کرامر (Martin Kramer)، در کتاب **تشیع مقاومت و انقلاب مدعی است:** در دوران معاصر، تشیع برخی از قوی‌ترین مفاهیم طغیان انقلابی را پدید آورده است. جنبش‌های شیعی، امروزه استراتژی‌های سیاسی فوق‌العاده اصلی ابداع کرده‌اند که غالباً موجب شگفتی و حیرت دنیای اسلام و غرب شده است. این شیوه‌ها در ایران از عظیم‌ترین موفقیت‌ها برخوردار بوده و الهام‌بخش سایر شیعیان در دنیای عرب و جنوب آسیا نیز شده است. کمربندی از تشیع، حیات اقتصادی، استراتژیکی و تاریخی اسلام را دربر گرفته و بخش‌هایی از لبنان، سوریه، عراق، افغانستان، عربستان، کویت، بحرین، ایران، پاکستان و هندوستان را شامل می‌شود. این کمربند در کشورهای مختلف، به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود و خود دنیایی است که تأثیرات گوناگون در آن به‌سرعت انتقال می‌یابد. (ملاک، ۱۳۹۰، ص ۸)

ایدئولوژی برخاسته از مذهب شیعه، در بطن خود نوعی بالندگی و پویندگی قدرتمند را به همراه دارد که می‌تواند در بین عوامل معنوی مؤثر، نقش برجسته و سرنوشت‌سازی داشته باشد. از مهم‌ترین ویژگی‌های آن، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و ستمگری و ستم‌پذیری است. وجود همین ویژگی، به جمهوری اسلامی ایران حالتی آشتی‌ناپذیر در رویارویی با سلطه‌گری‌ها و ستیزه‌جویی‌های آمریکا و قدرت‌های غربی را داده است؛ چنان‌که با توسل به این ایدئولوژی بوده است که حکومت اسلامی نوپا در ایران، با وجود مشکلات طبیعی انقلاب، توانست با عراق متجاوز، کشوری که مورد حمایت همه‌جانبه شرق و غرب و ارتجاع منطقه بود، تا دفع تجاوز، به ادامه جنگ نیز بپردازد و حتی در برخی مقاطع زمانی، درگیری نظامی با ابرقدرتی جهانی (آمریکا) داشته باشد. اظهارات خصمانه روزانه و مکرر دولتمردان آمریکایی درباره جمهوری اسلامی ایران در زمینه تهدید اهداف حیاتی آمریکا، بی‌ارتباط با این مبحث نیست.

یکی از نویسندگان برجسته غربی در ارتباط با تأثیر تفکر شیعه بر جهان اسلام معتقد است:

برای اولین بار در تاریخ چهارده قرن اسلامی، حکومت شیعی ایران نه تنها ۱۵۰ میلیون یا چیزی در این حدود شیعه در دنیا را به رهبری دعوت می‌کند، بلکه مدعی رهبری همه میلیون‌ها مسلمان در سراسر دنیا، اعم از شیعه و سنی می‌باشد. این یک وهم خیالی نیست؛ بلکه این امر واقعاً در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نوشته شده است. مادهٔ یازده این قانون اشاره دارد که همهٔ مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است که سیاست کلی خود را بر پایهٔ ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. (محمدی، ۱۳۷۱، ص ۲۴)

بدین ترتیب، نگرانی از شکل‌گیری هلال شیعی در خاورمیانه (ایران، عراق و جنوب لبنان) از یک سو، و رشد حرکت‌های انقلابی در بحرین با اکثریت جمعیت شیعی از سوی دیگر، باعث واکنش سیاستمداران غربی شده است. در این میان، حاکمیت اقلیت شیعیان علوی در سوریه، و وجود جمعیت قابل توجهی از شیعیان معترض در عربستان سعودی که در مناطق نفت‌خیز این کشور ساکن‌اند، تحولات ژئوپلیتیکی را از خلیج فارس تا مدیترانه تحت تأثیر قرار داده است.

برخی از صاحب‌نظران معتقدند که حساسیت آموزه‌های ایدئولوژیکی شیعه زمانی بیشتر خواهد شد که موقعیت‌های ژئوپلیتیکی شیعیان هم در کنار آن در نظر گرفته شود. ژئوپلیتیک تشیع از منظر آنها، به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعه در کشورهای مختلف خاورمیانهٔ بزرگ با مرکزیت هارتلند ایران است. (مایل افشار، ۱۳۸۳، ص ۵) در واقع، کمربندی از تشیع، حیات اقتصادی، استراتژیکی و تاریخی بخش‌های وسیعی از جهان اسلام را دربر می‌گیرد و مناطقی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را می‌پوشاند. این کمربند که در کشورهای مختلف به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود، جهان اسلام را در

حالتی از تحولات دائمی انقلابی با گرایش‌های ضداستبدادی (در حوزه داخلی) و ضداستعماری (در حوزه خارجی) قرار داده است.

از سویی، با توجه به خصوصیات ژئوپلیتیکی کشورهای واقع در حوزه ژئوپلیتیک شیعه، ساختار طبیعی، انسانی، اعتقادی و سیاسی آن واجد صفاتی شده است که به‌منزله یک واحد کارکردی فعال و مؤثر در نظام جهانی عمل می‌کند. عنوان‌هایی همچون منابع، جمعیت، جایگاه استراتژیکی و موقعیت جغرافیایی، منطقه را در مسائل مهم جهانی، مانند انرژی، عملیات و راهبرد نظامی، گرایش‌های دینی، امنیت بین‌المللی و تجارت جهانی درگیر کرده است. برای مثال، شیعیان حوزه خلیج فارس در منطقه بسیار حساسی از نظر جغرافیای سیاسی قرار دارند. خلیج فارس به‌منزله مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مخزن نفتی دنیا، نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت اقتصادی جهان ایفا می‌کند. با این حال، اهمیت این منطقه صرفاً در وجود منابع گسترده نفتی و معدنی آن خلاصه نمی‌شود و نقش سیاسی منطقه خلیج فارس با توجه به اهمیت ایدئولوژیکی، ارتباطی، ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیکی آن نیز مشهود و آشکار است.

نگاهی به شرایط اقتصادی، سیاسی و جمعیتی شیعیان منطقه روشن می‌سازد که به‌جز ایران، در هیچ کشوری قدرت مطلق در دست شیعیان نیست و بیشتر آنها در وضعیت نابسامان اجتماعی و سیاسی زندگی می‌کنند. در بیشتر این مناطق، شیعیان حتی از داشتن یک زندگی معمولی محروم شده‌اند و با آنها همانند شهروندان درجه دوم رفتار می‌شود. در بیشتر کشورهای منطقه، اقلیت غیرشیعی همواره شیعیان را در انزوا قرار داده‌اند. چنین محرومیت‌های همه‌جانبه‌ای که بر شیعیان منطقه اعمال می‌شود، به اعتراضات سیاسی این اقلیت مذهبی انجامیده است. این اعتراض‌ها که به دنبال بالا رفتن سطح آگاهی اجتماعی افزایش یافته‌اند، روزبه‌روز ابعاد گسترده‌تری به‌خود می‌گیرند. بخش مهمی از تاریخ این منطقه نیز بازتاب مبارزات مردمی، به‌ویژه شیعیان در راه رسیدن به آزادی، استقلال، حاکمیت اسلامی و مشارکت سیاسی و اقتصادی بوده است. در این راستا، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، تأثیرات قابل

توجهی در استمرار این حرکت‌ها داشته‌اند. به‌ویژه وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، افق‌های تازه‌ای به روی شیعیان منطقه گشود و آنان را به مبارزه برای تغییر وضع موجود امیدوارتر ساخت. این در حالی است که دولت‌های منطقه بی‌توجه به عوامل جمعیتی و سیاسی شیعیان و مؤلفه‌های جغرافیایی و سرزمینی آنها، به گرایش‌ها و تعصبات قومی - مذهبی برضد آنها دامن می‌زنند. جداسازی شیعیان از دیگر گروه‌ها و جمعیت‌ها و در انزوا قرار دادن آنها، همچنین مشارکت ندادن آنان در قدرت و حاکمیت سیاسی کشور، نمود بارز بی‌توجهی به پتانسیل‌های مختلف جغرافیایی سیاسی آنها از سوی دولت‌های منطقه به‌شمار می‌آید. (متقی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۲۰۳)

در چنین فضایی، با توجه به اینکه مؤلفه‌های مثبت جغرافیایی شیعیان منطقه، امکانات بالقوه فراوانی برای ایفای نقش آنان فراهم آورده است، تأثیر بینش انقلابی نظام سیاسی ایران و وقوع قیام‌های اسلامی مردمی در کشورهای عربی بر کشورهای منطقه می‌تواند ظرفیت‌های بالقوه مسلمانان شیعه را بالفعل سازد و منافع حکومت‌های استبدادی منطقه و پیرو آن، منافع قدرت‌های غربی را به مخاطره اندازد. سرکوب قیام بحرین توسط آل‌خلیفه و نیروهای سعودی و عدم واکنش کشورهای غربی به آن، مثال مناسبی برای این مدعا است.

از سوی دیگر، جمعیت مسلمانان شیعه، به لحاظ استراتژیکی در قلب بزرگ‌ترین منطقه نفت‌خیز خاورمیانه و در کنار شاهراه‌های نفتی خلیج فارس قرار دارند. با توجه به این موضوع، فولر در کتاب خود تحت عنوان شیعیان عرب، مسلمانان فراموش‌شده، بیان می‌کند که به لحاظ نظری، شیعیان عرب به همراه ایران می‌توانند بیشتر منابع نفتی خلیج فارس را تحت کنترل خود درآورند. (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۳، ص ۱۸۳) شاید آگاهی از این مسئله باعث شده است که آمریکا در بحرین گرایش‌ها و تدابیر خاصی اتخاذ کند و به سرکوبی قیام مسلمانان آن توسط عربستان، چراغ سبز نشان دهد؛

چراکه شیعیان در این کشور از اکثریت جمعیتی برخوردارند و پیروزی آنان می‌تواند آثار و پیامدهای ژئوپلیتیکی خطرناکی را برای منافع غرب ایجاد کند. بر همین مینا، می‌توان حساسیت غرب دربارهٔ انقلاب بحرین و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک شیعه را تحلیل و درک کرد.

با توجه به مطالب گفته‌شده، عوامل تحول در ژئوپلیتیک شیعه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. سرخوردگی جهان اسلام در برخورد با تجدد و نوسازی غرب؛
۲. شکست حکومت‌های غربگرای جهان عرب در مسئلهٔ فلسطین؛
۳. انزوای دیرین سیاسی و اجتماعی تحمیل‌شده به شیعیان؛
۴. محدود کردن آزادی‌های مذهبی و اعتقادی شیعیان از سوی حکومت‌ها؛
۵. تبعیض اجتماعی و اقتصادی فراگیر برای شیعیان (فولر و فوانکه، ۱۳۸۰، ص ۶۶-۶۷)؛
۶. وقوع انقلاب اسلامی در ایران و حاکمیت یافتن قاطع شیعیان در این کشور؛
۷. پیروزی حزب‌الله لبنان در نبرد ۳۳ روزه با اسرائیل و تبدیل شدن آن به نیرویی محبوب و تأثیرگذار در لبنان؛
۸. تحولات کشورهای عربی و انقلاب‌های مردمی برضد حکومت‌های استبدادی آنها؛
۹. انقلاب شیعیان بحرین؛
۱۰. وقوع ناآرامی‌ها و اعتراضات گستردهٔ مردمی در بین شیعیان عربستان، که در مناطق استراتژیک نفتی این کشور سکونت دارند.

بدین ترتیب، آگاهی از این واقعیت‌ها توجه قدرت‌های بزرگ غربی را به پیروان این مذهب جلب کرده است. در واقع، گذشته از تعارض آموزه‌های شیعه با مدرنیتهٔ غرب، موقعیت ژئوپلیتیکی آنها نیز در تضاد با منافع جهان صنعتی بوده، بیش‌ازپیش حساسیت این کشورها را برانگیخته است. غربی‌ها منافع خود را در منطقه در گرو مهار نیروی ژئوپلیتیک شیعه می‌دانند. (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۹۱)

۲. تأثیر انقلاب بحرین بر ژئوپلیتیک شیعه

آنچه امروزه از عنوان کشور بحرین به ذهن متبادر می‌شود، همانا جزیره نسبتاً وسیعی است که در زاویه جنوب غربی قاره آسیا در منطقه خاورمیانه در ناحیه خلیج فارس قرار گرفته است. مجمع‌الجزایر بحرین متشکل از ۳۵ جزیره بزرگ و کوچک با وسعتی معادل ۶۹۵ کیلومتر مربع است. بزرگ‌ترین جزیره این کشور - که پایتخت آن نیز می‌باشد - منامه نام دارد. این کشور با هیچ کشور دیگری مرز خاکی ندارد. از جنوب و غرب با عربستان سعودی، از شرق و جنوب شرقی با قطر و از شمال با ایران همسایه است. (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۱)

در تحلیل وضعیت ژئوپلیتیکی بحرین باید گفت که موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن این کشور در قلب منطقه خلیج فارس، به آن جایگاه استراتژیک ویژه‌ای بخشیده است. اگرچه بحرین از نظر جمعیت و وسعت، کوچک‌ترین کشور حاشیه خلیج فارس است، ولی نزدیکی آن با سواحل ایران و اکتشافات چاه‌های نفت، و وجود چشمه‌های آب شیرین، از دیرباز بر اهمیت موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی آن افزوده است. (دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۸۸، ص ۲۲)

امروزه بحرین یکی از مراکز مهم تشیع در دنیا به‌شمار می‌آید و پس از ایران و عراق، می‌توان آن را به لحاظ سابقه تاریخی سومین مرکز تشیع معرفی کرد. ارتباط و علاقه ساکنان این جزیره به مذهب تشیع، به اندازه‌ای محکم است که نزد اهالی شبه‌جزیره و ساحل‌نشینان خلیج فارس، کلمه «بحرانی» مترادف با کلمه شیعی به‌کار می‌رود و اقلیت اهل سنت در این جزیره «اهل البحرین» خوانده می‌شوند، نه بحرانی. جمعیت اهل تسنن این سرزمین، بیشتر مالکی و بعضاً حنبلی‌اند و اکثراً در شهرهای بزرگ بحرین زندگی می‌کنند. بخش قابل ملاحظه‌ای از اهل تسنن بحرین را عرب‌ها یا اعرابی که زمانی در سواحل جنوبی ایران می‌زیسته‌اند، تشکیل می‌دهند. در گذشته، بحرین همچون احسا، از مراکز سنتی شیعه به‌شمار می‌آمد؛ اما با تغییراتی که به دلایل متعدد تاریخی و جغرافیایی پیش آمد، این مرکزیت از دست رفته است. با

وجود اکثریت عددی شیعیان در این کشور، حکومت در دست خاندان سنی آل‌خلیفه می‌باشد. سیستم اداره و نوع حکومت بحرین، استبدادی مطلقه و فردی است و حکومت بحرین از قرن هجدهم به این سو، در اختیار خاندان آل‌خلیفه بوده است و از آن زمان تا کنون، اعقاب این خاندان این سرزمین را به طور موروثی در قبضه خود دارند. اخیراً نیز عنوان امیرنشینی را به پادشاهی تغییر داده‌اند و حاکم بحرین نیز خود را پادشاه خوانده است. (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۳)

شیعیان در بحرین هفتاد درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند و بیشتر از طبقه کارگرد. سنی‌ها غالباً جمعیت شهری را تشکیل می‌دهند و قدرت حکومتی را در دست دارند. این در حالی است که شیعیان به لحاظ اقتصادی، فقیر، و از نظر سیاسی، به حاشیه رانده شده‌اند. از ۵۷۲ مقام دولتی، تنها ۱۰۱ مقام به شیعیان تعلق دارد (۱۸ درصد)؛ از ۴۷ وزیر حکومتی، تنها ۱۰ وزیر شیعه‌اند (۲۱ درصد)؛ از ۶۸ معاون وزیر، تنها ۷ نفر شیعه‌اند (۱۱ درصد)؛ از ۴۷ دستیار وزیران، ۱۰ نفر شیعه‌اند (۲۱ درصد). در این میان، ترکیب دیوان پادشاهی، گارد ملی، سرویس امنیت ملی و سرویس اطلاعات CIO نیز تنها بر اساس اصل «فقط سنی» تشکیل یافته است. شیعیان تنها سه درصد وزارت کشور و ارتش بحرین را تشکیل می‌دهند (پانکراتن کو، ۱۳۹۰، ص ۱) در نظام حکومتی فعلی بحرین، شیعیان هرگز نمی‌توانند عهده‌دار مناصب عالی حکومتی شوند.

بحرین، چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی ایران، کانون رستاخیز شیعی در کشورهای خلیج فارس بوده است. این امر به طور مستقیم از وضعیت جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی این جزیره ناشی می‌شود. در مقایسه با هیئت حاکمه و جمعیت اهل سنتی که بر این کشور مسلط‌اند، شیعیان از اکثریت جمعیتی برخوردارند. هم خانواده حاکم شیخ‌عیسی آل‌خلیفه و هم بیشتر نخبگان سیاسی، به آیین سنی تعلق دارند. بیگانگی جامعه شیعه (با حکومت) بیشتر به علت تبار ایرانی برخی از اعضای این جامعه تقویت می‌شود؛ زیرا در میان شیعیان بحرین همیشه احساساتی به

طرف‌داری از ایران وجود داشته است و بیشتر آنها پیوندهای مذهبی و فرهنگی با جامعه ایران دارند. افزون بر این، سابقه حاکمیت طولانی و تاریخی ایران بر جزیره، بر شکاف میان سنی و شیعه افزوده است. با چنین سابقه‌ای، نهضت اسلام‌گرایی شیعی، به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به‌مثابه جنبشی نیرومند در صحنه بحرین ظاهر شد (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۶) در هر حال، مردم بحرین، به‌ویژه شیعیان این سرزمین، در طول چند قرن گذشته هیچ‌گاه طعم عدالت و آزادی از حاکمیت استبدادی را نچشیده‌اند. در طی چندین سال گذشته نیز صدها نفر از شیعیان بحرینی به‌وسیله حکومت پادشاهی آل‌خلیفه دستگیر و زندانی شده‌اند و حقوق اولیه شهروندی آنها نادیده گرفته شده است.

البته گاهی ادعا می‌شود که شیعیان بحرین از شیعیان عربستان آزادترند؛ ولی در عمل، هر زمان که آنها با استفاده از راهکارهای صلح‌آمیز و دموکراتیک در جهت احقاق حقوق خود کوشیده‌اند، به‌شدت مورد حمله و سرکوب قرار گرفته‌اند. آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و خاندان سعودی نیز در تمام این سال‌ها، از این حکومت مستبد پادشاهی وابسته به غرب حمایت کرده و از آن بهره‌مند می‌شده‌اند. در عین حال، با وجود اقدامات مستمر خاندان آل‌خلیفه برای تغییر هویت و ترکیب جمعیتی بحرینی‌ها و استخدام و گروه‌های سنی مذهب مهاجر و حتی مسیحیان خارجی تابعیت دادن به آنها و سپردن پست‌های کلیدی به اقلیت اهل سنت و اعمال فشار و ایجاد محدودیت‌های فراوان برای شیعیان، هم‌اکنون نیز حدود هفتاد درصد از جمعیت حدوداً یک میلیونی این سرزمین را شیعیان اثناعشری تشکیل می‌دهند. با اقدامات امانده حاکمان بحرین در جهت تغییر ترکیب جمعیتی این کشور از طریق اعطای تابعیت بحرینی به اتباع اردن، فلسطین، لبنان، عربستان و مصر، این کشور به نسبت وسعت و جمعیت خود، مهاجرپذیرترین کشور دنیا شمرده می‌شود. با این حال، لازم به ذکر است که بر اساس برخی تحلیل‌ها، بحرین پس از ایران و عراق و جمهوری آذربایجان، چهارمین مرکز شیعی در جهان اسلام است. (زواری، ۱۳۹۰، ص ۲)

انقلاب بحرین که در امتداد تحولات دیگر کشورهای خاورمیانه، از جمله تونس، مصر، اردن، یمن و لیبی قرار دارد، ادامه یک موج عظیم بیداری در کشورهای اسلامی است که به‌طور خاص موجب واکنش سریع و خشونت‌بار کشورهای همسایه عرب، به‌ویژه تلاش سعودی‌ها برای سرکوب این قیام شده است. شاید اگر به خواسته‌های انقلابیون بحرین توجه کنیم، علل و عوامل سرکوب این قیام مشخص شود. گروه‌های شیعی بحرین خواهان اصلاحات اساسی در تمامی زمینه‌های سیاسی و اجتماعی، به‌ویژه در زمینه‌های زیر هستند:

- برکناری حکومت سلطنتی آل‌خلیفه و انحلال کابینه وزیران و تشکیل پارلمان منتخب مردم؛

- از میان برداشتن تبعیضات برضد شیعیان و برخورداری آنها از حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برابر و مساوی، و آزادی آنها در برپایی شعارهای مذهبی و عبادی؛

- آزادی زندانیان سیاسی و تشدید مبارزه با فساد مالی در تمام سطوح؛

- لغو ممنوعیت تشکیل احزاب و فعالیت‌های سیاسی مذهبی، و تضمین آزادی بیان و مطبوعات؛

- لغو تابعیت‌های سیاسی اعطاشده به خارجیان و توقف روند اعطای تابعیت بر مبنای اهداف مذهبی و سیاسی؛

- خروج نیروهای خارجی، به‌ویژه نیروهای سعودی از خاک بحرین.

سیر رویدادها در چند ماهه اخیر در بحرین نشان داده است که هر اندازه قیام مردم بیشتر سرکوب شود و فشارها بر آنها افزایش یابد، خواسته‌های انقلابیون این کشور نیز حالت تندتر و رادیکال‌تری به خود خواهد گرفت و حتی می‌توان پیش‌بینی کرد که خواسته بعدی مردم بحرین، خروج ناوگان آمریکا از این کشور باشد.

فرانسوا توال، در بررسی خود درباره مفهوم ژئوپلیتیک شیعه معتقد است که منازعات و تحولات اخیر در دنیا، همانند انقلاب اسلامی در ایران یا رخدادهای لبنان، شیعه‌گری را به صورت یک عامل ژئوپلیتیک در خط مقدم صحنه بین‌المللی قرار

داده است. وی در تحلیل کانون‌های نهضت شیعی، از دو مفهوم ژئوپلیتیک استفاده می‌کند:

۱. ژئوپلیتیک داخلی، که عبارت است از گستره و شدت تأثیرگذاری هر جامعه شیعی بر مجموعه تحولات و سیاست‌های داخلی یک کشور؛
۲. ژئوپلیتیک خارجی، که عبارت است از قدرت تأثیرگذاری جامعه شیعی بر تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی. (توال، ۱۳۷۹، ص ۶)

وزن ژئوپلیتیکی شیعه در نقاط مختلف دنیا، زمانی افزایش می‌یابد که با مزیت‌های خاص ژئوپلیتیک، همچون منبع تأمین انرژی، منابع آب، و مراکز و مؤسسات تاریخی، دینی، گردشگری و مانند آن، یا تأثیرگذاری در سرنوشته یک مذهب اقلیت همچون مسئله شیعیان عربستان، همراه باشد. بنابراین، نهضت شیعیان بحرین به دلیل مزیت‌های خاص خود، همچون تأثیرگذاری بر روند جنبش شیعیان عربستان و هم‌مرزی دریایی بحرین با ایران و قرار گرفتن ناوگان پنجم دریایی آمریکا در این کشور، از قلمرو ژئوپلیتیکی داخلی و خارجی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. بحرین با جمعیت یک میلیون نفری خود، کوچک‌ترین کشور منطقه خلیج فارس است؛ اما اهمیت راهبردی آن بسیار بیشتر از مساحت و جمعیتش می‌باشد. غربی‌ها از این مسئله هراس دارند که با تشکیل نظامی مردم‌سالار در بحرین و قدرت یافتن شیعیان در این سرزمین، مواضع این کشور به سوی ایران مایل شود. این مسئله درباره عراق نیز صدق کرد؛ چراکه در سال‌های اخیر نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه، به‌ویژه در عراق و لبنان، پیوسته رو به افزایش بوده است.

قدرت‌های بزرگ همواره به جایگاه جغرافیایی این کشور کوچک اهمیت داده‌اند. در گذشته انگلستان، و در حال حاضر آمریکا ناوگان پنجم خود را برای نظارت و اعمال کنترل بر ایران، در بحرین مستقر ساخته است. بحرین متحد مهم آمریکاست. ارتش آمریکا در دوره جنگ عراق در سال ۲۰۰۳، با استفاده از پایگاه نظامی خود در بحرین، به عراق حمله کرد. با این حال، آمریکا به بهانه ثبات منطقه، مدت‌های

طولانی به خواست مردم بحرین برای تحقق مردم‌سالاری بی‌اعتنا مانده و از این‌رو، اعتراضات اخیر در بحرین موجب شده است سیاست‌های خارجی و تبلیغاتی واشنگتن با مشکلاتی روبه‌رو شود. بر همگان روشن است که یکی از اهداف راهبردی آمریکا از استقرار ناوگانش در بحرین، بر خورداری و تضمین جریان نفت از خلیج فارس است. با آنکه بحرین منابع نفتی فراوان دارد، اما ذخایرش از این منابع زیاد نیست. از این‌رو، هدف آمریکا از ایجاد پایگاه‌های نظامی در این منطقه، تأمین امنیت نفتکش‌هایی است که ۳۳ درصد از نفت مصرفی جهان را از تنگه هرمز می‌گذرانند.

جدول شماره ۲: نوع و شکل حکومت در کشورهای عربی

ردیف	شکل و نوع حکومت	کشورها
۱	پادشاهی	عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، کویت و بحرین
۲	سکولار غیرپادشاهی	مصر، تونس، اردن، الجزایر، لیبی و یمن

در جدول شماره ۲، نوع و شکل حکومت در کشورهای عربی آمده است که به دو نوع پادشاهی و سکولار غیرپادشاهی تقسیم می‌شوند. نکته جالب اینکه همه انقلاب‌های عربی که به مراحل جدی وارد شده‌اند، مانند انقلاب تونس، مصر، لیبی و یمن، در کشورهای دارای نظام غیرپادشاهی صورت گرفته‌اند و به دلایل مختلفی که از نظر جامعه‌شناختی قابل بررسی است، کشورهای پادشاهی هنوز به صورت جدی با این قضیه درگیر نشده‌اند. در حال حاضر، بحرین به‌مثابه کلید انقلاب‌های مردمی و اسلامی در کشورهای پادشاهی (عربستان سعودی، کویت، قطر، امارات عربی متحده و عمان) شمرده می‌شود. از همین‌رو، بروز تحولات اخیر در بحرین، همه این کشورها را به واکنش واداشته است تا با تشکیل «کنسرت پادشاهی» (درست همانند تشکیل کنسرت نظام‌های سلطنتی اروپا برای مقابله با گسترش پیامدهای انقلاب کبیر فرانسه)، به هر اقدامی متوسل شوند تا از گشودن این قفل توسط شیعیان بحرینی و باز شدن پای دومینوی انقلاب‌ها به کشورشان جلوگیری کنند. به‌نظر می‌رسد، باید به این موارد، عنصر شیعه را نیز افزود که هراس از آن و همجواری بحرین با کشوری

قدرتمند مانند ایران، که کانون اصلی شیعیان جهان شمرده می‌شود، باعث نزدیکی دیدگاه‌های کشورهای حوزه خلیج فارس با آمریکا در زمینه ضرورت مقابله با تحولات اخیر بحرین شده است.

در واقع، شیعیان حاشیه خلیج فارس در یک خط ساحلی که تقریباً تمامی سواحل خلیج فارس را دربر دارد، ساکن هستند و با توجه به نفت خیز بودن این سرزمین‌ها، می‌توان گفت به لحاظ جغرافیایی، مهم‌ترین بخش‌های خلیج فارس در انحصار شیعیان است. این بخش‌ها که هم شامل سواحل شمالی این منطقه (سواحل جنوبی ایران) و هم سواحل جنوبی است، به‌ویژه در بخش جنوب، دربرگیرنده سواحل عراق، کویت، استان‌های شرقی عربستان سعودی، سواحل بحرین و قسمت‌هایی از سواحل قطر و بندر دویی در امارات متحده است و حتی تا سواحل باطنه در دریای عمان نیز امتداد می‌یابد. به بیان دیگر، خلیج فارس از نظر جغرافیای مذهبی، تحت سلطه شیعیان است. (توال، ۱۳۷۹، ص ۱۰۲)

نحوه توزیع و پراکندگی جمعیت‌های شیعی کشورهای حوزه خلیج فارس، از جنبه‌های مختلف اهمیت دارد. در برخی از این کشورها، همانند امارات متحده عربی، عربستان، عراق و بحرین، شاهد حضور متمرکز شیعیان در برخی شهرها هستیم که این تمرکز از جنبه‌های مختلف می‌تواند برای حاکمیت این کشورها خطر آفرین باشد. از یک سو زندگی در کنار یکدیگر، به حس مشترک محرومیت دامن می‌زند و زندگی جمعی، جسارت و شهامت مبارزه را تقویت کرده، احتمال شورش و اغتشاش آنان بر ضد دولت‌های متحجر عربی را افزایش می‌دهد؛ از سوی دیگر، مسائلی از قبیل جدایی‌طلبی و گرایش‌های گریز از مرکز، به‌ویژه در شهرهای مرزی مطرح می‌شود. در برخی از این کشورها، تجمع شیعیان در مناطق استراتژیک و به‌ویژه مراکز نفتی، سبب شده است آنها نفوذ قابل توجهی در اقتصاد این کشورها داشته باشند و این مسئله، از جنبه‌های مختلف برای دولت‌های عرب حوزه خلیج فارس بحران‌زاست. پیروزی انقلاب بحرین باعث تحریک شیعیان حوزه جنوبی خلیج فارس

و اتصال بخش شمالی ژئوپلیتیک شیعه به حوزه جنوبی، و در نهایت شکل‌گیری ژئوپلیتیک شیعه از لبنان، سوریه و عراق تا ایران و شیعیان حوزه جنوبی خلیج فارس خواهد شد. این مسائل باعث شده است تا سه کشور عربستان، آمریکا و ایران، بیشترین حساسیت و توجه را به تحولات بحرین داشته باشند.

۱. **عربستان:** در حال حاضر، عربستان در محاصره خیزش‌های عربی قرار گرفته است. هم‌پیمانان سعودی‌ها در تونس، مصر و یمن سقوط کرده و نظام پادشاهی عربستان را با چالش اساسی مواجه ساخته‌اند. مهم‌تر از همه اینکه، تحولات انقلابی بحرین که به‌طور اجتناب‌ناپذیری تأثیرات گسترده‌ای بر شیعیان عربستان برجای خواهد گذاشت، زنگ خطری برای سعودی‌ها در ماه‌ها و سال‌های آینده است.

بحرین با یک پل ۲۵ کیلومتری به شرق عربستان متصل می‌شود. این منطقه عربستان به دلیل وجود معادن عظیم نفت و همچنین حضور پرشمار شیعیان مناطق قطیف و قنوار، برای ریاض و نیز متحد سیاسی - نظامی آن، یعنی واشنگتن، دارای اهمیت است. عربستان ۲۲ میلیون نفر جمعیت دارد و با مشکلات عدیده‌ای روبه‌روست؛ همچون شکاف‌های طبقاتی، توسعه‌نیافتگی سیاسی، و منازعات مذهبی، از جمله تبعیض نسبت به شیعیان که بیش از دو میلیون نفرند و نزدیک به ده درصد جمعیت عربستان را تشکیل می‌دهند. بنابراین، دور از ذهن نیست که هرگونه تحول در بحرین، به نگرانی‌ها و بحران‌های داخلی عربستان دامن بزند. (زوری، ۱۳۹۰، ص ۴) از نظر عربستان، هرگونه قدرت‌گیری شیعیان در بحرین به افزایش نفوذ ایران می‌انجامد و خطر را به دروازه‌های عربستان می‌رساند. حکومت بحرین روابط گسترده‌ای با عربستان دارد. حکومت این جزیره کوچک، در اقتصاد و امنیت خود، کاملاً متکی به عربستان و کمک‌های همسایه بزرگ خود است. انقلاب مردم بحرین می‌تواند برای شیعیان عربستان نیز الهام‌بخش باشد. به همین دلیل، سعودی‌ها از همان آغاز اعتراضات مردم، شدیداً خواستار سرکوب آن بوده‌اند.

دولت پادشاهی عربستان نیز همانند رژیم صدام، به سرکوب و کنترل جمعیت شیعیان می‌پردازد و با جلوگیری از ارتقای آنها به رده‌های بالای حکومتی و تشویق گسترده مهاجرت سنی‌ها به مناطق محل سکونت آنها، به مقابله با شیعیان برخاسته است؛ اما تحکیم و گسترش انقلاب شیعیان در بحرین، قطعاً شیعیان عربستان سعودی را نیز به اقداماتی مشابه تشویق خواهد کرد. به همین دلیل است که نیروهای سعودی در قالب «نیروهای سپر جزیره» و با مجوز شورای همکاری خلیج فارس، برای سرکوب انقلابیون بحرین اعزام شده‌اند.

دلایل سرکوب قیام مردم بحرین از نظر سعودی‌ها عبارت‌اند از:

الف) مرزهای شرقی عربستان در مناطق غنی از نفت، با بحرین مشترک است. بنابراین، سرایت قیام مردمی بحرین به عربستان سعودی، به‌طور ویژه باعث خیزش شیعیان این کشور، و در نهایت به‌وجود آمدن اتحاد شیعی در منطقه خواهد شد و منابع عظیم نفتی عربستان را در معرض تهدید قرار خواهد داد؛

ب) انقلاب بحرین تهدیدی برای همه حکومت‌های پادشاهی حوزه جنوبی خلیج فارس، به‌ویژه عربستان است؛

ج) پیروزی قیام بحرین، مترادف با قدرت یافتن بیشتر ایران و پایین آمدن پرستیژ و نفوذ عربستان در منطقه خواهد بود و شیعیان بحرین را به هم‌بیمانانی برای ایران به‌عنوان یکی از قدرت‌های منطقه تبدیل خواهد کرد.

۲. آمریکا: برنامه و ابتکار آمریکا برای خاورمیانه، در شمار اولویت‌های مهم استراتژی این کشور قرار دارد. ایجاد اصلاحات و تغییرات دلخواه در نظام‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای خاورمیانه، در قالب پشتیبانی از دولت‌های معتدل و اصلاح‌طلب، برای آمریکایی‌ها از اهمیتی اساسی برخوردار است. (صادق، ۱۳۸۲، ص ۱۰) ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا درباره اهمیت نفت منطقه خلیج فارس معتقد بود که «نفت، خون صنعت مدرن است و منطقه خلیج فارس قلبی است که این خون را مانند تلمبه به جریان می‌اندازد؛ و راه‌های دریایی پیرامون خلیج فارس شریان‌هایی

هستند که این خون حیاتی از آنها می‌گذرد». (نیکسون، ۱۳۶۴، ص ۱۳۶) علت اینکه آمریکا می‌خواهد نفت خلیج فارس در درجه اول «زیاد»، در درجه دوم «نسبتاً ارزان» و در درجه سوم «بی‌وقفه» جریان داشته باشد، صرفاً آن است که شالوده اقتصاد جهانی در طول پنجاه سال گذشته، بر نفت ارزان‌قیمت و سرشار پایه‌ریزی شده است و اگر این شالوده حذف شود، اقتصاد جهانی فرو خواهد پاشید. (بولاک، ۱۳۸۲، ص ۱۰۴)

افزون بر مسئله نفت خلیج فارس، مهم‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در بحرین واقع است. بحرین مقر ناوگان پنجم دریایی آمریکا در منطقه خاورمیانه است. این پایگاه که از حیث نیرو و امکانات، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پایگاه دریایی آمریکا در حد فاصل قاره آفریقا تا شرق آسیا به‌شمار می‌رود، به‌شدت اهمیت این کشور کوچک را برای آمریکایی‌ها بالا برده است. در شرایط فعلی، آمریکا سه پایگاه دریایی و هوایی در بحرین دارد که پرواضح است در منطقه استراتژیک و مهم خلیج فارس از اهمیت بسزایی برخوردار است. در زمینه پایگاه‌های هوایی نیز باید این نکته را مد نظر قرار داد که نیروی هوایی آمریکا از طریق پایگاه‌های نظامی خود در بحرین، جنگنده‌های خود را به کشورهای افغانستان و عراق اعزام می‌کند و به عبارت دیگر، عملیات‌های هوایی خود را از این پایگاه‌ها مدیریت می‌نماید. به همین دلیل است که اهرم حیاتی پنتاگون، در پایگاه نظامی بحرین قرار گرفته است و این کشور از اهمیت بسزایی نسبت به دیگر کشورهایی که ایالات متحده در آنان پایگاه نظامی دارد، برخوردار می‌باشد. (زواری، ۱۳۹۰، ص ۵) ناآرامی‌ها و قیام کنونی مردم بحرین، شرایط دشواری را برای آمریکا ایجاد کرده و آن را با متحدی بی‌ثبات مواجه ساخته است. بدین ترتیب، از دست دادن نظارت و کنترل بر بحرین، به معنای از دست دادن نظارت بر خلیج فارس است.

با این اوصاف، در صورت سقوط خاندان آل‌خلیفه و با توجه به حضور اکثریتی شیعیان در بحرین، در حکومت آینده این کشور، بدون شک شیعیان حضوری پررنگ‌تر خواهند داشت و آمریکا نگران آن است که قدرت گرفتن شیعیان در

بحرین، عاملی برای پایان یافتن حضور نظامی این کشور در خلیج فارس باشد. (بیانی، ۱۳۸۹، ص ۱) بر همین اساس، سقوط دولت بحرین به دست شیعیان این کشور، قطعاً به تحریک شیعیان عربستان، که بیشتر در بخش‌های نفت‌خیز ساکن‌اند، نیز خواهد انجامید و این امر می‌تواند به تضعیف قابلیت‌های آمریکا در منطقه، و در مقابل، قدرت‌یابی بیشتر ایران بینجامد. بنابراین، طبیعی است که جلوگیری از سقوط دولت بحرین، به هدف مشترک و جدی عربستان و آمریکا بدل شود.

۳. ایران: انقلاب اسلامی در ایران، آثار و نتایج متعددی به‌ویژه در مناطق شیعه‌نشین و در میان شیعیان برجای گذاشت. مهم‌ترین آنها، احیای قدرت و توان شیعیان، و بیش از همه، تحکیم هویت شیعه در کل جهان بود. شیعیان پس از این تحول اساسی در ایران، احساس هویت و شخصیت پیدا کردند و آنچه در ایران اتفاق افتاد، نه‌تنها برای شیعه، که برای اهل سنت هم الگو شد. ولی‌رضا نصر، از صاحب‌نظران مسائل سیاست خارجی آمریکا، اگرچه اعتقاد دارد که شیعیان گروه‌های پراکنده‌ای‌اند و از نقطه خاصی مدیریت نمی‌شوند، اما درباره قدرت و نفوذ ایران معتقد است «شکی نیست که کنترل و مدیریت ایران مهم‌ترین چالش سیاست خارجی آمریکاست. موضوعی که فراتر از مسئله اتمی یا تهدید اسرائیل می‌باشد». (ملائک، ۱۳۹۰، ص ۹) اسپوزیتو نیز در این زمینه معتقد است:

ایران نخستین انقلاب سیاسی موفق شیعی را به جهان عرضه کرد؛ انقلابی که به نام اسلام و با شعار الله اکبر، بر مبنای ایدئولوژی و نمادگرایی شیعه و رهبری روحانیت و غیرروحانیت اسلام گرا استوار بود و مسلمانان سراسر جهان از ثمره آن، که همانا اوج گرفتن مفهوم هویت اسلامی، بازگشت غرور و اقتدار مسلمانان در جهانی که سیطره ابرقدرت‌هاست، محظوظ شدند. (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص ۴۹)

آگاهی از موقعیت ژئوپلیتیک و آموزه‌های انقلاب شیعه در ایران، باعث شد که آمریکا تمام توان خود را به کار گیرد تا مانع موفقیت حکومت ایران در ارائه الگوی یک حکومت شیعی موفق در منطقه شود و در این مسیر از هر نوع کارشکنی برای

عدم موفقیت ایران در منطقه استفاده می‌کند. (نامدار، ۱۳۸۶، ص ۱۵) در این راستا، منافع آنها در منطقه به مهار نیروی ژئوپلیتیک شیعه بستگی دارد. البته برای غرب، موقعیت شیعیان ایران با سایر شیعیان در دیگر قسمت‌های ژئوپلیتیک شیعه فرق دارد. ایران کشوری است که شیعیان، اکثریت غالب جمعیت آن را تشکیل می‌دهند و حکومت را هم در اختیار خود دارند. در دو یا سه کشور دیگر نیز تعداد شیعیان زیاد است؛ اما در دیگر نقاط جهان اسلام، شیعیان در اقلیت‌اند. (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۳، ص ۱۷۸)

از سوی دیگر، اعتراف صریح دشمنان همیشگی ایران، یعنی اسرائیل، آمریکا و دوستان اروپایی آنها و حتی شیخ‌نشین‌های منطقه خلیج فارس در طی ماه‌های اخیر این بوده است که انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان مردمی‌ترین، تأثیرگذارترین و عملی‌ترین انقلاب‌ها، ریشه فکری و عملیاتی نهضت‌های اخیر است؛ و به همین دلیل، یکی از نگرانی‌های اصلی آنها این بوده و هست که اگر هر یک از کشورهای مصر، لیبی، تونس، اردن، عربستان، یمن، بحرین، کویت و کشورهای دیگری که در حال جوشش‌های مردمی‌اند، شرایط و نهایی مانند ایران پیدا کنند، چه بر سر منافع اقتصادی و سیاسی غرب و وابستگان آنها در آفریقا و آسیا خواهد آمد. هرچند بیشتر مسلمانان دنیا، اعم از شیعه و سنی، به انقلاب اسلامی ایران دل بستند و آن را تجسم آمال خود یافتند، اما شیعیان دل‌بستگی خاصی به آن پیدا کردند. از این‌رو، یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های مخالفت با انقلاب اسلامی، به‌ویژه در کشورهای عربی، نگرانی از خیزش شیعیان منطقه برای دستیابی به حقوق اجتماعی و سیاسی خود، و در نتیجه، بی‌ثباتی این حکومت‌ها بوده است. (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲)

بحرین، از نظر ژئوپلیتیکی جایگاه خاصی از منظر جمهوری اسلامی ایران دارد و جزء همسایگان و دارای مرز آبی با ایران است. نکته دیگر اینکه بحرین در قرون گذشته جزئی از سرزمین ایران و تحت حاکمیت حکام ایرانی بوده است و بخشی از جمعیت آن را ایرانی‌ها تشکیل می‌دهند و پیوندهای تاریخی مستحکمی بین بحرین و

ایران وجود دارد. مسئله مهم و تأثیرگذار دیگر در خصوص نوع رویکرد ایران در قبال تحولات بحرین، پیوند مذهبی جمهوری اسلامی ایران با شیعیان بحرین است که اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. منافع و سیاست منطقه‌ای ایران در حوزه خلیج فارس، و رقابت‌های آن با عربستان سعودی نیز مؤلفه‌ای مهم در رویکرد کشور است؛ و به‌خصوص تهران تحول دموکراتیک در منامه را باعث شکل‌گیری نوعی از نظام سیاسی در بحرین قلمداد می‌کند که می‌تواند روابط مناسب‌تری را با آن ایجاد نماید. این عوامل باعث شده است تا ایران نگاه حساس‌تری به تحولات بحرین داشته باشد.

شیعه بودن اکثریت جمعیت انقلابی بحرین و نزدیکی این کشور به ایران، این تصور را در بین بسیاری از سیاستمداران و اندیشمندان تقویت می‌کند که پیروزی مردم بحرین، نخست باعث قدرت‌گیری شیعه در منطقه می‌شود و به شکل‌گیری یک بلوک شیعی می‌انجامد؛ دوم اینکه این بلوک قدرتمند، توسط ایران هدایت و کنترل شده، در راستای تضاد با منافع غرب حرکت خواهد کرد.

نتیجه

در این مقاله، ضمن بررسی ژئوپلیتیک شیعه تلاش شد به این پرسش پاسخ داده شود که انقلاب بحرین با اکثریت جمعیت شیعیان، چه تأثیری در تحول ژئوپلیتیک شیعه می‌تواند داشته باشد. در این میان، چه قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی درگیر می‌باشند. مردم بحرین در ادامه حرکت «بیداری اسلامی» و به دنبال شکل‌گیری انقلاب‌های تونس و مصر، که به سقوط حاکمان این دو کشور انجامید، قیام انقلابی خود را آغاز کردند. رژیم آل‌خلیفه از همان ابتدا تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم را تاب نیاورد و با استفاده از نیروهای امنیتی خود و بهره‌گیری از نیروهای نظامی عربستان سعودی، معترضان را به خاک و خون کشید. خروج نیروهای سعودی، بازگشت افراد تبعیدشده، آزادی زندانیان سیاسی، لغو ممنوعیت تشکیل احزاب و

فعالیت‌های سیاسی مذهبی، آزادی بیان و مطبوعات، و لغو سانسور، مهم‌ترین خواسته‌های سیاسی مردم بحرین را تشکیل می‌دهند. با توجه به اکثریت جمعیت شیعیان در این کشور (به‌رغم سیطره‌ی اهل تسنن بر حکومت)، قدرت‌های خارجی به‌ویژه عربستان برای جلوگیری از قدرت یافتن شیعیان در بحرین، به هر وسیله‌ای متوسل شده‌اند. ممانعت از سرایت قیام مردمی بحرین به عربستان سعودی، به‌ویژه هراس از امکان خیزش شیعیان این کشور، و در نهایت به‌وجود آمدن اتحاد شیعی در منطقه با محوریت ایران، از مهم‌ترین انگیزه‌های سعودی‌ها از دخالت نظامی در بحرین به‌شمار می‌رود. سقوط دولت بحرین به دست شیعیان این کشور، قطعاً می‌تواند به تحریک شیعیان عربستان سعودی، که اکثراً در بخش‌های نفت‌خیز این کشور زندگی می‌کنند، بینجامد. این امر همچنین می‌تواند باعث ضعف نظامی آمریکا در منطقه، و در مقابل، عامل افزایش چشمگیر قدرت ایران در منطقه و جهان اسلام باشد و ژئوپلیتیک شیعه را به گونه‌ای محسوس متحول سازد و ایران را هرچه بیشتر در محوریت و مرکزیت جهان تشیع، و در نهایت دنیای اسلام قرار دهد که کابوسی تحمل‌ناپذیر برای آمریکا و عربستان به‌شمار می‌رود.

منابع

۱. اخوان مفرد، حمید، **ایدئولوژی انقلاب ایران**، تهران، پژوهشکده امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
۲. ادواردز و همکاران، **تحقیق پیمایشی، راهنمای عمل**، ترجمه سیدمحمد اعرابی و داوود ایزدی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۹.
۳. اسپوزیتو، جان ال، **انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن**، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، تهران، آگه، ۱۳۸۲.
۴. باشگاه اندیشه، «بازی‌های دوگانه غرب با برگه بحرین پادشاه بحرین»، در: <http://www.bashgah.net/fa/content/show/83476>
۵. بیاتی، عبدالحمید، «شیعه‌ستیزی عربی - غربی در بحرین با چاشنی ایران‌هراسی»، در: <http://www.parsine.com>
۶. پاشاپور، حمید، **نهیضت‌های اسلامی، بازیگران جدید نظام بین‌الملل**، تهران، مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۲.
۷. پانکراتن کو، ایگور، «شش افسانه دربارهٔ حوادث بحرین، نگاه روسی»، در: <http://strategicreview.org>
۸. پولاک، کنتام، «امریکا و سه راهبرد امنیتی در خلیج فارس»، **چشم انداز ایران**، ش ۲۱، ۱۳۸۲.
۹. تقی‌زادهٔ داور، محمود، «شیعه و مذاهب دیگر، بررسی حوزه‌های جغرافیای تعاملی و چالشی»، **فصلنامهٔ شیعه‌شناسی**، سال دوم، ش ۸، زمستان ۱۳۸۳.
۱۰. توال، فرانسوا، **ژئوپلیتیک شیعه**، ترجمه علیرضا قاسم‌آقا، تهران، آمن، ۱۳۷۹.
۱۱. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد، «هلال شیعی، فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا»، **دانش سیاسی**، سال پنجم، ش اول، بهار و تابستان، ۱۳۸۸.
۱۲. حافظ‌نیا، محمدرضا، **جغرافیای سیاسی ایران**، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
۱۳. خبرنگار، «هلال شیعه در خاورمیانه» در: <http://efair.co/showthread.php?tid=139795>
۱۴. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، **کتاب سبز بحرین**، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸.
۱۵. «مسئولیت ما در قبال مردم بحرین چیست؟»، **روزنامهٔ کیهان**، ۱۳۹۰/۷/۱۴.
۱۶. رفیع، حسین، «دانشواژه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی در دنیای اطلاعات (با تأکید بر مورد ایران)»، **فصلنامهٔ سیاست**، **مجلهٔ دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی**، دوره ۳۸، ش ۳، ۱۳۷۸.
۱۷. زواری، عبدالحمید، «جایگاه انقلاب بحرین در معادلات منطقه ای و فرامنطقه‌ای»، در: http://www.irrt.ir/articles/regional_studies/post_657.php

۱۸. سیاست روز، «چرا آمریکا و عربستان به بحرین کوچک اهمیت می‌دهند»، در:
<http://www.siasatrooz.ir/CNewsRDetailOnline.aspx?QSCNDId=57478&QSDNId=1>
۱۹. صادقی، احمد، «نظم نوین جهانی رو به ظهور در فضای پس از جنگ آمریکا با عراق»، ماهنامه دیدگاه‌ها و رویدادها، ش ۱۶۹، خرداد ۱۳۸۲.
۲۰. صفی، محمد، ژئوپلیتیک فرهنگی و مسئله امنیت ملی، تهران، شمس، ۱۳۸۰.
۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، شیعه در اسلام، قم، قلم، ۱۳۶۷.
۲۲. فاضلی‌نیا، نفیسه، «ژئوپلیتیک شیعه، مسئله امنیت ملی ایران»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال چهارم، ش ۱۳، بهار ۱۳۸۵.
۲۳. کسینجر، هنری، دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی، تهران، ابرار معاصر، ۱۳۸۳.
۲۴. لورو، پاسکال و فرانسوا توال، کلیدهای ژئوپلیتیک، ترجمه حسن صدوق ونینی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
۲۵. مایل افشار، فرحناز، «ژئوپلیتیک شیعه»، نشریه سیاست روز، ۵ خرداد ۱۳۸۳.
۲۶. مجتهدزاده، پیروز، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایران، تهران، نی، ۱۳۷۹.
۲۷. محمدی، منوچهر، «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر کشور بحرین»، در:
<http://www.aftabir.com/articles/view/politics/world/c1c1193227905>
۲۸. محمدی، یدالله، «بررسی ابعاد همگرایی در منطقه خلیج فارس»، فصلنامه مصباح، ش ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۱.
۲۹. ملائک، محمدحسین، «رویکرد آمریکا نسبت به جریان‌های اسلامی»، در:
http://www.aftabir.com/articles/view/politics/world/c1c1236067410_islam_usa_p1.php
۳۰. نامدار، مظفر، رهیافتی بر مبانی مکتب‌ها و جنبش‌های شیعه در صد سال اخیر، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۶.
۳۱. نیکسون، ریچارد، جنگ واقعی و صلح واقعی، ترجمه علیرضا طاهری، تهران، کتاب‌سرا، ۱۳۶۴.
32. Cohen, B. Saul , **Geopolitics in the Era of Reordering the World**, New York, 1978.
33. Dikshit. R.D, **Political Geography**, Second Edition, Tate MC Graw- Hill New Delhi, 1995.
34. Escobar, Pepe, "Shiitestan", in Michel Korinam & John Laughland, London: Vallentine Mitche, Academic, 2007.
35. Fuller, Graham & Rend Francke, **The Arab Shia: The Forgotten Muslims**, New York, St. Marti press, 1999.
36. Nasr, Vali , **The Shia Revival: How Conflicts Within Islam Will Shape the Future**, New York, W.W Noton & Company, 2006.

خلاصة المحتويات

تعريب: باقر الطايي

اعادة تعريف الجغرافيا السياسية للشيعة بالنظر الى الثورة البحرينية

د. مسعود اخوان كاظمي / صفى الله شاهقلعه

ان للحركات الاسلامية المعاصرة دورا خاصا في مجرى تحولات منطقة الشرق الاوسط. ومن بينها الثورة الشيعية في البحرين ومحاورها الاساسية خاصة كالقوى الاجتماعية والمنظمات المستقلة والاشخاص والمجموعات المستقلة المعارضة في مواجهة النظام الملكى الحاكم فى هذا البلد، فان لها دورا مهما في تحول الجغرافيا السياسية للشيعة.

يهدف هذا البحث الى بيان وتحليل الجغرافيا السياسية للشيعة وموقعيتها فى التطورات العالمية والاقليمية خاصة الحركات والثورات الاخيرة فى الاراضى الاسلامية مع التركيز على ثورة البحرين. لقد تم تهميش شيعة البحرين اجتماعيا وسياسيا مع انهم يشكلون غالبية سكان هذا البلد وغالبا ما يكونون من طبقة العمال محدودى الدخل وفى مقابل الاقلية السنية التى تشكل السكان الاثرياء للمدن والذين يمسكون بالحكم. ان السعى للحصول على الحقوق السياسية والاجتماعية المناسبة وتغيير النظام المستبد الملكى الحاكم فى البحرين ادى الى قيام ثورة شعبية، خاصة بين شيعة هذا البلد فى مواجهة عائلة ال خليفة الحاكمة. هذه الثورة وعلى الرغم من تمتعها بخصوصيات ككونها شعبية وتطالب بالديمقراطية، الا انها قوبلت بصمت بل وحتى بردود فعل سلبية من قبل الدول الغربية وبرد فعل عسكرى شديد من قبل الحكومة السعودية. تسعى هذه المقالة الى تقييم وبيان اسباب التعامل الازدواجى للغرب مع هذه التحولات واستنادا الى اعادة تعريف لتحول الجغرافيا السياسية للشيعة وخاصة موقعية الثورة البحرينية فى هذه العملية.

الاصطلاحات الاساسية: الجغرافيا السياسية، الجغرافيا السياسية للشيعة، حكومة آل خليفة، البحرين.